

- تصویر کتیبه بل فیروز آباد

نمود؛ حرف a نیز قبل از حرف ا تا حدودی نمایان است اما حروف y و b به شکل عمده‌ای محو و از بین رفته‌اند؛ نگارنده در استنساخ خود جای این حروف را مشخص نموده است؛ با در نظر گرفتن حرف نویسی هنینگ و نیز بازسازی این حروف که توسط نیبرگ انجام گرفته است این فرضیه ممکن می‌شود که کاتب هنگام حجاری کتیبه فیروزآباد حروف a, y, b و ا واژه مذکور را از قلم انداخته و هنگام بازخوانی کتیبه و به دلیل وجود نداشتن جای خالی در کنار حروف h و d سایر حروف این واژه را در میان دو سطر و بر روی حروف h و d نوشته باشد.^(۲)

ayār: این واژه که حرف نویسی آن برابر با a hadyb³ است، در پهلوی معنی یار و یاری را می‌دهد. نکته‌ی قابل توجه درباره واژه‌ی فوق در کتیبه‌ی فیروزآباد آن است که در سطر هفتم کتیبه‌ی مذکور تنها دو حرف h و d از این واژه هویداست و بلافاصله پس از این دو حرف حروف کلمه‌ی بعدی یعنی must نمایان است؛ هندسه در حرف نویسی خود حروف a, y و b را درون پرانتز نوشته است که این خود دال بر بازسازی این حروف توسط هنینگ می‌باشد، اما وی حرف a را خارج از پرانتز آورده است؛ یعنی حرف ا برای هنینگ کاملاً قابل رؤیت بوده است؛ با دقت در مولاژ کتیبه‌ی فیروزآباد که هم‌اکنون در کاخ موزه نیاوران نگهداری می‌شود و نیز با توجه به عکس‌های موجود از کتیبه می‌توان حرف ا را درست در میان سطر ششم و هفتم و بر روی حرف m از جمله must مشاهده

۱- نک به فرهنگ پهلوی تألیف بهرام فره‌وشی

۲- نک به هنینگ، والتر، ۱۳۳۸

- نگارنده در پایان ذکر این نکته را ضروری می‌داند که در سطر ششم پس از اولین واژه یعنی پس از واژه‌ی **سده 22** به معنی و او، دومین واژه به دلیل فرسایش و گذشت زمان به کلی محو شده است؛ در بررسی مولاژ کتیبه‌ی فیروزآباد نیز دومین واژه‌ی سطر ششم کاملاً ناخوانا به نظر می‌رسد؛ هنینگ⁽¹⁾ در مقاله‌ی خود صفت اشاره‌ی **کرم** در معنی این را برای این کلمه پیشنهاد نموده است.²

فهرست منابع:

- 1- M.Back, Die Sassanidischen Staatsinschriften, Acta Iranica 18, Leiden 1978.
- 2- E.Flandin- P.Coste, Voyage en Perse pendant les annees 1840-1841, Paris 1851, I,pl.44.
- 3- R.Ghirshman, "Firuzabad", dans BIFAO, t.XLVI, le Caire 1947, p.I-28, pl.I-IX.
- 4- E. Herzfeld, "Reisebericht", dans ZDMG, t.80,1926,p.253.
- 5- W.B. Henning, "The Inscription of Firuzabad", dans AM, n.s.t. IV, 1954, p.98-102, 2.fig.
- 6- H.S.Nyberg, A Manual of Pahlavi I, Wiesbaden 1964. p.125.

- آموزگار، ژاله و تفضلی، احمد، زبان پهلوی ادبیات و دستور آن، انتشارات

معین، ۱۳۷۳

- تفضلی، احمد، تاریخ ادبیات ایران پیش از اسلام، انتشارات سخن، ۱۳۷۶.

- فره‌وشی، بهرام، فرهنگ پهلوی، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۴۶

- کریستن سن، آرتور، ایران در زمان ساسانیان، ترجمه رشید یاسینی، نشر

دنیای کتاب، ۱۳۷۲

- کریستن سن، آرتور، وضع ملت و دولت و دربار در دوره شاهنشاهی

ساسانی، ترجمه‌ی مجتبی مینونی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات

فرهنگی، ۱۳۷۴.

- مصطفوی، سید محمد تقی، اقلیم پارس، نشر اشاره، چاپ دوم، ۱۳۷۵

- مخلصی، محمد علی، پل‌های قدیمی ایران، سازمان میراث فرهنگی، ۱۳۷۹.

- نولدکه، تئودور، تاریخ ایرانیان و عربها در زمان ساسانیان، ترجمه‌ی عباس

زریاب، پژوهشگاه علوم انسانی، ۱۳۷۸.

- هنینگ، والتر، کتیبه فیروزآباد، گزارش‌های باستان‌شناسی جلد چهارم،

اسفند ۱۳۳۸.

۱- هنینگ، والتر، ۱۳۳۸.

*- با سپاس از استاد ارجمندم جناب آقای دکتر محمد تقی راشد محصل که در

رفع ابهامات این مقاله مرا گره گشا بودند و سپاس فراوان دارم.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مساجد جمعه استنق و سرور

نوشته: برنارد اوکان

ترجمه: محمدرضا نعمتی

مساجد ستون دار چوبی نزدیک می‌کند.

استنق در آذربایجان شرقی و در مجاورت شهر مهربان واقع و تقریباً در ۷۵ کیلومتری شرق تبریز که از شمال دوز دوران (Duzduran) به جاده بستان آباد - سراب می‌رسد، علی‌رغم اهمیت منطقه آذربایجان و از طرف دیگر وجود مسجدی با شکوه در روستای استنق، به نظر نمی‌رسد که جغرافیدانان قرون میانی از آن اسمی برده باشند.^(۱۰)

به نظر می‌رسد که اولین مقاله در مورد این مسجد توسط عبدالعلی کارنگ نوشته شده است.^(۱۱) بیشتر مصالح به کار رفته در نمای مسجد جامع استنق از سنگ ماسه‌ای سرخ منقوش است. پلان استادانه، اجرای نمای سنگی و تزئینات پرتکلف در یک روستای دور افتاده غیر منتظره است. مسجد تقریباً مربع شکل (نمازگاه) یا بخش داخلی آن مربع مستطیل بی‌قاعده با چهار ستون سنگی یکپارچه است که سقف چوبی را نگه می‌دارند.

بخش خارجی:

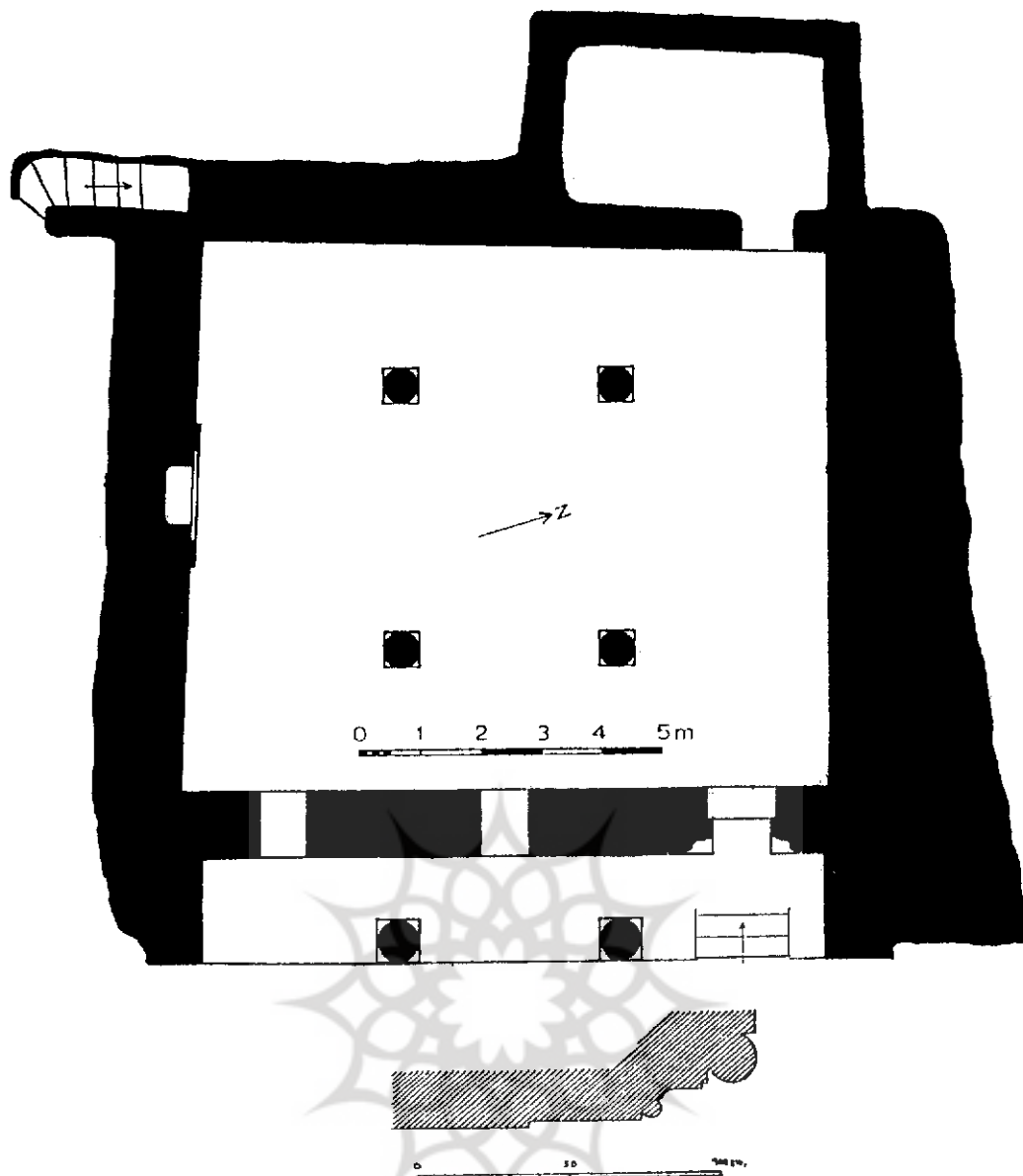
سر در ورودی دارای درگاهی قوسی شکل در یک سمت و دو پنجره مربع مستطیل در سمت دیگر است. ایوان باریکی که سقف چوبی آن توسط دیوارهای طرفین و دو ستون سنگی نگه داری شده در شرق مسجد و از نمای ورودی جلوتر قرار گرفته است. سه طرف دیگر بنا از قلوه سنگ با روکش کادگل (مخلوط گل و گاه) ساخته شده است. در دوره معاصر به دیوار غربی مسجد یک اتاق ساده از سنگ الحاق شده و دارای پلکانی است که به بالکن چوبی داخل مسجد منتهی می‌شود.^(۱۲)

دو پنجره مستطیل شکل در دیوار جنوبی در دو سمت شرف تنها منبع نور برای بخش داخلی است.^(۱۳) به منظور جلوگیری از شکم دادن دیوار به طرف بیرون در انتهای ایوان، پشتیبانهایی از

مساجد جمعه* ستوندار بعد از غلبه استنق، یعنی در اوایل اسلام در چندین شهر ایران ساخته شده‌اند. در شهرهای کوچکتر، نوعی دیگر از مساجد ساخته شد که ویژگی اصلی آنها داشتن گنبد یا ایوان است که این نوع مساجد از شیوه‌های معماری قبل از اسلام الهام گرفته‌اند.^(۱) مصالح رایج اکثر بناهای فلات ایران از آجر و چوب بوده و بناهای سنگی که تعداد آنها اندک می‌باشد در نقاط خاصی از ایران ساخته شده‌اند.

از چوب، اغلب در مساجد ستوندار برای ساخت ستونها و پوشش سقف استفاده می‌شود و کمیونتهای چوب در بعضی از نقاط یکی از دلایلی است که فرم ساسانی گنبد و ایوان در قرون میانی به صورت شیوهای متداول در معماری ایران درآمد. با وجود گسترش بناهای دارای گنبد و ایوان در بیرون میانی بناهایی با ستونها و سقفهای چوبی در آناتولی (۲) و ترکستان^(۳) ساخته شده‌اند. از این نوع بناها در ایران، تا به حال فقط یک مسجد در منابع خارجی ذکر شده است.^(۴) اکثر این بناها توسط محققین بومی کشف شده‌اند، که نه تنها می‌تواند آنها را مرتبط با بناهای آناتولی و ترکستان بدانیم، بلکه آنها را می‌توانیم با نمونه‌هایی در داخل ایران ارتباط دهیم. در حال حاضر تعداد محدودی مسجد ستوندار همانند مساجد جمعه ایواندار سجاس^(۵)، بارزوک (Barzok)،^(۶) استنق، نودوشان (Nudushan)، پنافت (Bunafit)،^(۷) مساجد مهرآباد و میدان رازی^(۸) و مسجد ملارستم مراغه^(۹) در ایران شناخته شده‌اند.

مقاله حاضر در مورد دو تا از این مساجد است: اولی مسجد جامع سرور متعلق به قرن پانزدهم میلادی که نمایانگر نمونه‌ای از این نوع مساجد است و دومی مسجد جامع استنق متعلق به قرن چهاردهم میلادی که به طور غیر متعارف، ستونهایش از سنگ می‌باشد. با این وجود پلان و سقف تیرکشی، این مسجد را به نوع



شکل ۱- پلان مسجد جامع استق با جزئیات ورودی

کم کردن هزینه یا برای کاهش توده قسمت بالای دیوارها بوده است. کارنگ می‌نویسد: (۱۴) حاکم سابق تمام سنگهای فرو ریخته سقف و دیوارهای مسجد را به منظور ساختن بندی برای آبیاری مزرعه‌اش استفاده کرده است. با این وجود حتی اگر این نظر درست باشد، نمی‌توان این نظر کارنگ را قبول کرد (۱۵) که بنا در اصل دارای پوشش گنبدی بوده و به مرور زمان فرو ریخته و بعداً برای پوشش سقف مسجد از تیرهای چوبی استفاده

کاهگل در جهت شمال و جنوب اضافه شده است. مسجد مناره ندارد. هرچند که تردیانی از داخل یالکن به پشت بام، محلی که برای اذان گفتن مناسب است منتهی می‌شود. از سنگ در نمای مسجد کمی بیشتر از نصف ارتفاع ۷ متری آن استفاده شده است (شکل ۲).

دو توضیح برای این موضوع وجود دارد. اول آنکه خرابی جزئی مسجد، با سنگ و کاهگل مرمت شده و دوم آنکه تصمیم برای محدودیت وسعت کار سنگی برای قسمت حاضر، که یا برای